

به نام خدا

تعلیم و تربیت فرزندان از دیدگاه اسلام

مقدمه

وكذلك خلقناكم امة وسطاً لتكونوا شهداء على الناس و
تكون الرسول عليكم شهيداً

و همچنین شما مسلمین به آیین اسلام هدایت کردیم و نیز شما
را به تربیت نیکو و اخلاق معتدل آراستیم ، تا گواه مردم
باشید تا نیکی و درستی را سایر ملل از شما بیاموزند
چنانچه پیامبر را گواه شما کردیم .

از بهترین مسائل زندگی انسان مسدله تربیت است که
پایه و اساس شخصیت حقیقی و حقوقی آدمی می باشد .
شکل گیری هویت انسانی در پرتو تربیت سالم و صحیح و
هماهنگ با سرشت و فطرت اوست و این مهم امکان ندارد مگر
اینکه به هسته مرکزی و خمیر مایه اصلی نظام تربیتی ، یعنی
خانواده ، توجه ویژه مبذول شود .

خانواده که بستر رویش و گهواره پرورش تمام هویت و
ساختمان وجودی انسان است ارکان اصلی و سنگ بنای آن را
زن و شوهر تشکیل می دهند که هر يك لباس آسایش و آرامش
همدیگر هستند و به تعبیر رسا و گویای صحیفه همیشه نورانی
قرآن ، مایه مودت و رحمت یکدیگرند .

در سایه این لطف بیکران الهی و ایجاد این لطف و انس
و عشق است که شاهد رویش

غنچه ها و دسته گلهاي همیشه سبز و با طراوت و شاداب
زندگی خواهیم بود .

آن آرامش و سکینه حاصل نمی شود مگر اینکه فضای حاکم و روابط زوجین عشق و رحمت و مودت باشد و همه آفات زندگی از سرزمین کوچک خانواده ریشه کن شده و راه را برای رویش این گل‌های پاک فراهم و هموار کردد .

این مهربانی و الفت و این انس و رحمت و رأفت همان

گهواره و آغوش مه‌ری است که با

زمزمه های حیات بخش خود ، آهنگ روح نوازش کودکانی پرورش خواهد داد که نوید حرکت و پویایی جامعه انسانی و امید فردای روشن و نورانی است .

دین مقدس اسلام که خاتم همه ادیان است و کتاب مقدسش که جامع تمام مایحتاج تربیتی و هدایتی است ، برخلاف همه مکاتب مدعی تعلیم و تربیت ، هسته مرکزی تربیت را قبل از به وجود آمدن انسانها (قبل از ازدواج) می داند و برای تربیت مراحلی قائل است که اگر والدین بر اساس آن مراحل تنظیم شده گام بردارند ، و گام به گام همراه دستورات دقیق تربیتی آن حرکت نمایند ، انسانهایی به جامعه تحویل خواهند داد که مایه فخر و مباهات انسانیت باشند .

اسلام عزیز ابزارها ، و شیوه های بسیار زیبایی برای

مسئله مهم تربیت پیشنهاد می کند که امروزه با آخرین دستاوردهای نوین بشری در زمینه تربیت نه تنها مخالف نیست ، بلکه از یک استحکام و نورانیت خاصی برخوردار است و این مایه بسی افتخار و خوشبختی است که نظام ما در فضای اسلامی شدن تنفس می کند و مدال افتخاری است به گردن خانواده ها .

چکیده

ذکر و یاد خدا را راه تحقیق تربیت اسلامی

تحقیق تربیت اسلامی در سایه ارتباط با خداوند امکان

پذیر است محور برنامه ریزی تربیتی می بایستی ذکر و یاد

خالق یگانه باشد ذکر نور است و استمرار ذکر نورانیت می

آورد. (همه مربیان الهی در تلاش بودند تا بین بندگان و

پروردگار ارتباط برقرار نمایند . و هر کس این پیام را

دریافت نمود ابتدا)

هرکه نورانی شود مجذوب پروردگاری گردد سپس طعم محبت و

عشق را خواهد چشید . و این نهایت کمال است . آنچه که در

تربیت اسلامی برای تحقق آن باید تلاش کنیم .

نورانیت فراگیران و ایجاد محبت و عشق پروردگار در قلوب آنها

می باشد. در این راه هنر مدیریت ما می بایستی تحقق این هدف

باشد زیرا هر که محبوب او خداوند گردید از فساد و تباهی

می گریزد و خداوند او را از هر گونه انحراف و انخطاطی حفظ

می کند زیرا او بهترین هادی و رفیق است.

مفهوم تربیت :

تربیت به معنای پرورش دادن و پروراندن است و پروراندن هر چیزی به کمال رساندن آن است و تمام قابلیت‌ها در آن شکوفا گردد .

بنابر این معنا ، پرورش دادن گیاهان برای رسیدن به رشد مطلوب ، نوعی تربیت محسوب می‌شود .

تربیت انسان پرورش دادن جسم و روح او است به گونه ای که به کمال شایسته خود برسد . به عبارت دیگر تربیت در انسان به معنای فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش استعداد های درونی و قوای جسمانی و روانی او برای وصول به کمال مطلوب است .

این کار در واقع عملی است آگاهانه با هدف رشد دادن ، ساختن ، دگرگون کردن و شکوفا نمودن استعداد های مادر زادی شود .

هر مکتبی بر اساس هدفی که طرح تربیتی مخصوصی را دنبال می‌کند و بر اساس اغراض و هدفهای خود انسان را برای وصول به آن اهداف در خدمت می‌گیرند .

از این رو تعریف تربیت در اصطلاح هر مکتبی از دیدگاه آن مکتب نسبت به انسان است .

مکتب‌هایی که طرح ترکیبی دارند به خاطر عدم شناخت ابعاد مختلف آدمی به تمام استعداد های او توجهی نکرده ، بلکه منکر عمق و وسعت ابعاد وجودی انسان هستند تنها مکتب اسلام است که جنبه ها و ابعاد و استعداد های گوناگون انسان توجه کامل نموده است .

تربیت در دیدگاه اسلام ایجاد زمینه رشد در جنبه های مختلف ، عقلی ، فکری ، اعتقادی اخلاقی ، عاطفی ، روانی ، فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی و ارائه راه درست آیدیشیدن ،

نیکو زیستن به گونه ای که آدمی را از مرحله حیوانیت به مرتبه کامل انسانی برساند، می باشد.^۱ به بیان دیگر تربیت، به معنای فراهم آوردن زمینه فکری برای به فعلیت رساندن قوا و استعدادهاي آدمي و تعديل غرایض در جهت رساندن انسان به هدف نهایی خود که مقام قرب خداوند و خلیفه الهی است می باشد.

نظرات تربیتی اسلام محدود به رفتار شخصی انسان در زندگی نیست بلکه جمیع مسائل فردی و اجتماعی را بر اساس فطرت و ارزشهای واقعی انسان مد نظر دارد و برای تمام ابعاد پیچیده او که روان شناسان غرب به جهت عدم آگاهی به حقیقت انسان از آن تفره رفته در چهار چوب فرامین الهی طرح و برنامه عملی دارد و تنها به فرضیه و تئوری قناعت نکرده بلکه با ارائه الگو او را در راه کمال و تعالی خود یاری کرده، راه او را هموار و تسهیل می نماید.

اما در روانشناسی تربیتی غرب تنها بر پایه رفتار انسان و بر اساس تجربه کند و کاو می شود.

روانشناسان غربی رفتار انسان را از دوره جنینی بررسی و ریشه آن را با متدد های تجربی و عملی تحقیق کرده و تئوری های خود را در آزمایشگاههای روانی مورد تحقیق و آزمایش قرار میدهند.

ولی نتیجه اکثر آزمایشها با شخصیت حقیقی انسان سازگار نیست زیرا شخصیت والای انسان در محیط تحقیقاتی روانشناسی و تربیتی غرب تنزل کرده و به جهت تلقی نادرست آنان از انسان به عنوان حیوانی تکامل یافته، شرافت آدمی و ارزشهای متعالی او نادیده گرفته می شود.

پی گیری و دنبال کردن هر هدفی بر دو رکن اساسی استوار است: آگاهی و اطمینان از وجود آن، و دیگری، امکان دسترسی و باور آن. البته این مساله در امور مادی محسوس تر است.

مثلا برای استخراج يك گنج نهفته و پنهان دو چیز لازم و ضروری است: اول اینکه باید خارجا گنجی وجود داشته و انسان از وجود آن آگاه و مطمئن باشد.

دوم، دسترسی به آن را در حیطه قدرت خویش دانسته، تحصیل آن را بمرور نموده و برای خود امکان پذیر بداند.

این مطلب عینا در مورد احیاء استعدادهاي درونی و تربیت انسان قابل انطباق است. کسی که از وجود چنین استعدادهاي سرشار خدادادی در نفس و جان خود و فرزند خویش آگاه نیست و به این ارزش واقعی واقف نگشته و از ذخایر و سرمایه های نهانی نهفته در خود و فرزندش خبر نداشته باشد، هرگز برای احیاء آن استعدادهاي پنهان و تربیت نفس خویش یا فرزندش کمر همت نبسته و سختی های آن را متحمل نشده و قیام نخواهد کرد.

همچنین کسی که خود را از تربیت خویش و احیاء توان و سرمایه های عظیم بالقوه الهی نهفته درخود- عاجز می پندارد و هرگز قدمی در راه این امر خطیر برنخواهد داشت.

از این روست که مربیان آگاه و اساتید بزرگ اخلاق، قبل از هرگونه اقدامی جهت تربیت افراد، آنان را از ارزش بزرگ انسان و سرمایه های بسیار ارزشمند انسانی واقف و آگاه نموده، مشعل توکل و امید را در نفس پیروان خویش شعله ور می سازند.

رها کردن نیروها و استعدادهاي دروني و معطل گذاردن آنها ، و عدم تلاش و کوشش در راه باورکردن آنها-که به منزله خاموش نمودن چراغ سعادت و حرکت در جهت سقوط در ورطه رذائل اخلاقي است - و نیز بسياري از انحرافات و گرايش هاي باطل و مبتلا شدن به انواع هلاکت ها و آلودگي در واقع از عدم^۱ شناخت ارزش واقعي انسان سرچشمه مي گيرد . و از همین جا به ریشه طفره رفتن و شانه خالي کردن بسياري از افراد - از زیر بار مسئوليت بزرگ تربيت نفس و تهذيب اخلاق خود - پي مي بریم . چه آنکه عاقلی تن به نابودي اشياي قيمتي خود نملي دهد ، چون ارزش آن را مي داند .

مولاي تربيت يافتگان مکتب ادب و اخلاق چنین مي فرمایند :

((من لم يعرف نفسه بعد عن سبيل النجاه و خبط في الضلال و الجهالات^۱ .

هرکه نفس خویش را نشناسد (و به ارزش والاي آن پي نبرد) از راه سعادت و رستگاري دور افتاده و به بي راهه گمراهي و ناداني فرو خوده افتاده . و نیز فرموده اند :

((من عرف شرف معناه صانه عن دناه شهوته و زور مناه))^۱

کسي که گوهر انساني و شرافت باطني خود را بشناسند ، خویشان را از پستي شهوات و آرزوي هاي باطلش محفوظ خواهد داشت .

تربيت براي همه *۸۶۹*

۱ - فرهنگ تربيت / مؤلف عباس اسماعيل يزدي قم : دليل ما . ۱۳۸۱

۱- عرر : ۷۰۶/۲ ج ۱۳۷۲

۱- غرر : ۱۴۰۷-۷۱۰/۲

اسلام جميع افراد بشر- با وجود انواع ويژگي ها و خصايص وراثتي و با هرگونه سرشت وطبيعت وخلق و خوي ، و رشد يافته در هر محيط و شرايطي - خداپرستي و فراگيري سجايي اخلاقي و روش هاي پاك عملي قرار ميدهد ، تا با آمو زش و پرورش متناسب با برنامه هاي مقدس الهي به حيات انساني زنده گرديده و ذخاير مقدسي كه در باطن او به ودیعت گذاشته شده ، از قوه به فعليت در آيد .

پيشتر يادآور شدیم كه اگر همه وراثت ها قطعي و غير قابل تغيير بود ، و تمام صفات ناپسند و خلكيات والدين درسرنوشت اولاد تاثيري حتمي و غير قابل تغيير داشت ، قيام انبياء الهي و تعاليم اديان آسماني و كوشش مصلحان و آموزگاران تعليم و تربيت بي فايده و لغو مي بود.^۱

آغاز تربيت

اگرچه تربيت به ظاهر از بدو تولد آغاز مي شود ، ولي با در نظر داشتن تاثير جنبه هاي وراثتي در تربيت ، زمي نه آن سال ها قبل از تولد فرزند ، و در واقع به هنگام انتخاب همسر فراهم مي گردد .

از اين رو شارع مقدس در مورد انتخاب همسري شايسته عنايتي خاص مبذول فرموده كه ان شاء الله اين بحث را تفصيلا در آينده مطرح خواهيم كرد .

تربيت در سنين اوليه زندگي نيز داراي ارزش و اهميت خاصي است ، زيرا علاوه بر اينكه كودكان نوعا در اين دوران پيوسته با پدر و مادر مانوس هستند ، روحيه تاثير پذيري در آنها نيز بيشتر مي باشد .

از این رو پیش از آنکه دشمنان و گمراهان و بدخواهان فرزندان ما را با بدآموزی و برنامه های سوء خودگمراه نمایند، باید از همان اوان کودکی مراقب آنها بوده ، در تربیت آنان کوشا باشیم .

فرزندی که در خردسالی تربیت نشود، امکان اصلاح و تربیت او در آینده اندک و تاثیر گذاری بر او دشوار می شود . بنابراین ، سهل انگاری در امر تربیت در این سال ها زیان فراوانی را به همراه خواهد داش . هرگز نباید امر تربیت فرزندان را به حساب اینکه هنوز خردسال هستند و نمی فهمند به تاخیر انداخت ، زیرا روح پذیرش از آغاز تولد در آنها پدید می آید .

جهان هستی مجموعه ای است از موجودات و مخلوقات ، از جماد و نبات و حیوان و انسان و دریائی است از شور و جاذبه و حرکت و عشق و محبت و هرگز آبی از این تکاپو و جنب و جوش دائمی باز نمی ایستد.^۱

توقف درعالم وجود به مثابه مقابله با سیر تکاملی عامل خلقت . و برابر با نابودی و درهم کوبیده شدن همه نیروها و استعداد های و قابلیت های انسانی در این جهان پرتلاطم است. و تعلیم و تربیت به معنای حرکت در جهت تعالی و همسویی با سیر تکاملی همه موجودات عالم هستی است .

از نظر اسلام ، از آنجا که تعلیم و تربیت ، امری است هم جهت و منطبق با فطرت انسانی ، و عملی است همگام با حرکت عمومی جهان خلقت ، این وظیفه بزرگ همواره در طول حیات دامنگیر هر انسانی است و آدمی در تمام مراحل زندگی و دوران عمر موظف است که در جهت شکوفائی استعداد های خود گام بردارد .

به حکم عقل نیز مادامی که انسان از محیط خود تاثیر پذیر است و اجزای بدن او از هم گسسته نشده ، و بین فرد و جامعه ارتباط برقرار است ، باید تربیت ادامه یابد و آدمی نمی تواند . در هیچ مرحله ای خود را از آن بی نیاز بپندارد . مشاهده تحت تاثیر قرار گرفتن افراد بزرگسال و ساخورده از عوامل محیطی و . رنگ گرفتن آنان از دیگران دلیل روشنی است بر لزوم استمرار تربیت در تمام دوران حیات . مسئولیت و تعهد دائمی افراد نسبت به یکدیگر و در زمینه بهسازی محیط زندگی ، عمومیت تحصیل دانش و فرهنگ در تمام سنین ، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در تمام

دوران زندگی ، همه حاکی از لزوم تربیت به عنوان یک مسئولیت همیشگی است.^۱

منشاء سعادت و شقاوت : وظایف مسئولیتهایی الهی پدران و مادر در تربیت فرزند یکسان است - اعمال ، اخلاقیات و گفتار و کردار و پندار پدران و مادران ، منشا خوشبختی و سعادت و یا بدبختی و شقاوت فرزندان آنان خواهد بود . همانگونه که به اراده خالق و توانا ساختمان بدنی هر فرزندی از مجموع دو سلول تناسلی والدین او بوجود می آید شخصیت و روحیات او نیز نتیجه رفتار والدین اوست حکیمان گفته اند. ((از کوزه برون همان تراود که در اوست این معنای جمله امیرالمؤمنان امام علی (ع) است. کل اناء یتفخ بمافیة . زین العابدین و سید الساجدین امام علی بن حسین (ع) در رساله حقوق برخی از وظایف پدران را بر می شمارد : و اما حق فرزندت بر تو این است که بدانی او از توبه وجود آمده است و او را از خودت بدانی و بدانی که سرنوشت خوب و بدش در آینده به دست تو می باشد و تو در قبال وظایف خود مسئول هستی که او را خوب تربیت کنی و به پروردگار عزیز و بزرگ و مومن و آشنایش نمایی و او را در راه اطاعت خداوند کمک کنی و بدانی که نیکی به او پاداش خواهی داشت و در بدی به او جریمه و تنبیه خواهی شد.

تجلی صفات والدین:

مادران باید مقام و مسئولیت و عضویت خود را شناسند و بدانند که سعادت و شقاوت نوزادان رابطه مستقیم با سلول و رحم و زمان آبستنی نحوه غذا خوردن و آشامیدن و رفتار و کردار و حتی افکار آنان دارد قال رسول الله التقی

من شقي في بطن امه و السعيدمن تسعه في بطن امه اين حديث با عبارتهای مختلف در اکثر کتب آمده و حتی بعضی از بزرگان را دچار حیرت و سرگردانی نموده است . البته با الهام از آیات الهی در روایات معصومین (ع) سرگردانی و حیرتی برقرار نخواهد ماند.

برای جلوگیری وجود فرزندان بیچاره و بدبخت و فاسد مادر برای رعایت وراثتهای نامطلوب از جنون و حماقت و انحراف اسلام عزیز در تمام مراحل فرمانهایی داده است مادری که در خانواده ای کینه توز خشمناک برآشفته و برافروخته و بدخواه و بدبین حسود و خیانتگر و بد پيله و پرورش یافته فرزندی با^۱ همین صفات بد از او به عمل خواهد آمد و در دامن مادری صالح و پاکدل و با تقوا و خوش بین و شجاع و سخی و مهربان و باوفا و با صفا و خیرخواه طبعاً فرزندی با همین روحیات و اخلاقیات و در نتیجه ، خوشبخت سعادت مند پرورش خواهد یافت . پیامبر اکرم (ص) فرموده است. انظر في اي شيء تضع ولدك فان العرق دساس بدانید نطفه خود را در چه محل مستفر می نمایند. تا این که فرزندان شما وارث صفات بد خانوادگی مادرشان نشوند .

اسلام درباره خوردن و خوابیدن و فکر کردن مادران آبستن نیز سفارش بسیار فرموده است .

تربیت اطفال از دیدگاه این سینا

- ابوعلی سینا ، دانشمند برجسته ایرانی نکات نغزی

درباره تربیت فرزند نوشته است که به برخی از آن نکات

اشاره می کنیم بر والدین واجب است که به تربیت و اخلاق

متعادل و طبیعی کودکان توجهات خاصی داشته باشند د آنان

باید دقت کنند که خشم یا ترس بسیار نگرانی های زیان آور و یا بد خواهی و... عارض طفل نشود.

والدین باید بدانند کودک به چه چیزی اشتها دارد و از چه چیزهایی بدش می آید و با مراقب والدین کودک خوش اخلاقی عادت می کند. و خوب بودن اخلاق عادت و ملکه او می شود و نیز از لحاظ بدنی و جسمانی سالم می ماند. اخلاق بد سرچشمه اقسام ناراحتیهای بدنی و مزاجی است لذا هر عادت بد در طفل پیدا شود علتش بدی مزاج یکی از اعضاء است مثلاً خشم موجب تب و گرمی و اندوه سبب خشکی حتمی است. برای حفظ تعادل و بسط اخلاقیات خوب در اطفال باید به سلامتی جسم و جانیشان با هم و یکی رسیدگی کرد و همین که طفل به شش سالگی باید او را به تدریج برای درس خواندن و آموزگار دیدن آماده کنند.^۱

وظیفه ها و تعهدها

: اسلام برای تربیت فرزندان، وظایف مهمی به عهده پدر و مادر در اطرافیان و معلمان و متصدیان امور تربیتی گذاشته است. یکی از حقوق فرزندان بر والدین غیر از انتخاب نام نیکو و یاد دادن قرآن و نوشتن تربیت درست است. امیر مومنان (ع) فرمود: بهترین و میراثی که پدران می توانند به فرزندان خود بدهند ادب و تربیت صحیح است. هر نوزادی با فطرت دینی متولد می شود و پدر و مادر نباید او را منحرف نمایند. زیرا پیامبر بر خاتم فرمود. هر نوزادی با فطرت مذهبی به دنیا می آمد و پدر و مادرانند که او را به آیین یهودیت و نصرانیت می کشانند. از همان دوران طفولیت باید فرزندان را به روش دینی و بر اساس علوم دینی

تربیت و تعلیم کرد . والدین باید دقیق کنند که شخصیت اطفال رعایت گردد و اگر به مقتضای سنین طفولیت ، اشتباهی داشته باشند نباید در حضور همگان تذکر داده شود یا آوری نیز باید فوری باشد . زیرا اگر تاخیر داشته باشد . نتیجه مطلوب نمی دهد تذکر باید فی المجلس و فوری و در تنهایی و یا با اشاره و کنایه انجام شود .

تا دیگران متوجه نشوند و گرنه شخصیت دقیق و ظریف و رقیق اطفال جریمه دار می گردد و به جای تربیت صحیح ، نتیجه نامطلوب و غلط حاصل خواهد شد.^۱

حضرت مجتبی (ع) روزی فرزندان خود و فرزندان برادر خود را دعوت کرده و به آنان فرمود همه شما ک ودکان اجتماع امروز هستید و امید می رود که بزرگان اجتماع فردا باشید ، دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید . و هر کدام که حافظه قوی ندارید و نمی توانید در مجلس درس مطالب استاد را ضبط کنید آنها را بنویسید و نوشته ها را در منزل نگاهداری نمایید. در موقع لزوم مراجعه کنید. در این حدیث امام مجتبی (ع) برای اینکه عشق به تحصیل را در فرزندان و برادر زادگان خود ایجاد نماید و آنانرا با دلگرمی و نشاط کسب علم و ادا کند از سرمایه فطری جهت ذات و ترقی خواهی آنان استفاده نموده و بدون توسل ترساندن و شلاق و مجازات به آنها فهماند که درس خواندن امروز راه وصول به عز و بزرگی فرد است . روشی که در این حدیث بکار رفته در جهان امروز بهترین ارزنده ترین سبک در اساس تعلیم و تربیت است. یکی از اساسترین شروط تعالی و تکامل برای کودکان و بزرگسالان آزادی محیط زندگیست در شرایط زورگویی و تجاوز در محیط کسب به استبداد و خفقان در جاییکه باشی به جای امید و ظلم بجای عدل ،خودسری به جای قانون و ترس به جای آرامش خاطر بر مردم حاکم باشد . قطعاً امید تعالی و تکامل حقیقی در آنجا وجود ندارد.

پرورش در محیط مساعد:

خانواده کانون پرورش کودک است ومملکت محیط پرورش بزرگسالان . بدون تردید شرط اول پرورش صحیح و احیاء استعدادهاي مختلف محیط مناسب و شرایط مساعد است .هرخانواده ای که قادر نیست برنامه تربیتی حضرت مجتبی (ع) را در مورد فرزندان خود اعمال نماید. و هر پدری نمی تواند

با آن^۱ زبان که امام مجتبی (ع) بیان فرموده اند با كودكان خود سخن بگویند. این طرز گفتار شایسته خاندانیست که اساس آن بر پایه فضیلت و آزادگی استوار باشد.^۲

چند اصل مهم درباره تربیت

اصل اول:

توجه به حس عزت طلبی فرزند

اولین و مهمترین نیاز روحی و روانی هر انسان عزت و

کرامت نفس است که امری فطری است .

پدران و مادران و مربیان باید به گونه ای با کودکان

رفتار کنند که این فطرتکه خداوند متعال در وجود انسان

قرار داده است احیاء و فرزند به عزت نفس دسترسی پیدا کند

.

برای اینکه فرزندانمان را به عزت و کرامت برسانیم

باید خط عزت را بیابیم تا از این رهگذر راه رسیدن به رشد

و کمال را برای آنها تسهیل نماییم .

ارضاء این نیاز فطری موجب احساس خوشایندی از توانایی

ها و احساس لیاقت در فرد می گردد و زمینه شکوفایی

استعدادهای و رشد شخصیت را فراهم می آورد .

رسالت تعلیم و تربیت در جامعه نیز چیزی جز احیاء و

تقویت عزت کرامت نفس انسانها نبوده و نیست چنانکه پیامبر

بزرگوار اسلام (ص) فرموده اند :

((انی بعثت لاتم مکارم الاخلاق))

اصل بعثت پیامبران برای احیاء کرامت و شخصیت انسان ها

بوده است . پیامبران مبعوث شدند تا انسان با کرامت و کریم

۱ - كودك از نظر وراثت و تربیت ، محمد تقی فلسفی، هیات نشر معارف اسلامی، چاپ دوم آذر ماه - ۱۳۴۱

۱ - كودك از نظر وراثت و تربیت ، محمد تقی فلسفی، هیات نشر معارف اسلامی، چاپ دوم آذر ماه - ۱۳۴۱

بسازند و انسان کریم و با کرامت انسانی است که عزف نفس
دارد و از صفات زشت و پست گریزان است .

خداوند در قرآن کریم می فرماید :

((ان كان يريد العزه فلله العزه جميعا)) (فاطر ۱۰) ^۱

انسان هایی که خواهان عزت هستند بدانند تمامی عزت از آن خداست . این بدان معنا است که انسان اگر بدنبال عزت و کرامت و شخصیت و آبرو و بزرگی و بزرگواری می گردد باید دل به خدا ببندد و از دیگر چیزها روی گردان شود تنها راه رسیدن به عزت و کرامت این است که انسان به منبع و سرچشمه و تمام و کمال عزت گره بخورد و غیر از این راهی نیست دنبال همین آیه اضافه می کند که :

((ايبتغون عندهم العزه))

آیا عزت را نزد پول و مقام و می جوئید ؟

بسیار در اشتباهند زیرا ((فان العزه لله جميعا)) .

عزت همه اش در خدا جمع است .

پس اگر طالب عزت هستید باید خدایی و خداگونه شوید .

برای اینکه فرزند به کرامت و عزت واقعی برسد باید

دست او را گرفت و در دست خدا قرار داد ، باید دل و تمام

وجود او را به خدا گره زد و گام اول در این امر نماز است

بچه ها را باید با نماز آشنا کرد و او را نماز خوان کرد ،

باید او را متقی و پاکدامن و درستکار و صادق تربیت کرد .

باید به او اخلاق خوب ، صله رحم ، احترام به دیگران و ...

را یاد داد و.....

چرا نماز؟ زیرا ((لا بذكر الله تطمئن القلوب))
دل آرام گیرد به یاد خدای^۱

نماز همان چیزی است که امروز گمشده جامعه بشری است، اینهمه اضطراب، دلهره، تشویش و سرگردانی، جنگ و درگیری و..... همه و هم بخاطر این است که بشر راه رسید به آرامش را نیافته است و تا با نماز آشتی برقرار نشود، تا انسان ها به نماز متوسل نشوند، تا طعم خوشایند، ناب و دوست داشتنی و آرامش بخش نماز را بشر نچشد به آرامش دست نخواهد یافت نماز همان گمشده انسان امروز است و ای کاش.....
حضرت علی (ع) فرمودند :

علمو صبیانکم الصلاه

نماز را به فرزندانان بیاموزید .

این تکلیف پدر و مادر است که به فرزندش نماز بیاموزد و او را امر به نماز کند اما نه اینکه با ترشروئی و داد و بیداد و تحقیر و... فرزند را به نماز وا دارد، نماز باید برای کودک خوشایند و دوست داشتنی و آرام بخش باشد. مبادا در هنگامی که بچه ای سستی را یافت آیا ما در این رابطه بد عمل کرده ایم؟ آیا به او بی توجهی نموده ایم؟ یا او را در صف نماز جماعت مورد لطف قرار نداده ایم؟ و یا..... شاید هم در دوره هائی از رشد قرار دارد که سستی و بی حالی مقتضای طبیعت این سن است مثلاً در دوران نوجوانی سستی و تنبلی و به بیرون آمدن از رختخواب چیزی کاملاً طبیعی است و از طرفی فرزند فرمان پذیر نیز نیست، در این دوره سنی باید بجای امر از طرق سوال، استدلال و... وارد شد .

بزرگی می گفت وقتی می خواهیم صبح نوجوانم را برای نماز از خواب بیدار کنم آرام آرام می روم و ملحفه یا پتویا چیزی را که روی اوست کنار می کشم تا چشمانش را باز کند ، آن موقع سلام می کنم و می پرسم ، پدرجان می خواهی نماز بخوانی ؟

او می گوید بله می خواهم ، بعد می گویم دستت را بده ، دست او را می گیرم و او را کمک می کنم تا از رختخواب بیرون بیاید، نرمش به دست های او می دهم و می گویم التماس دعا.^۱

پس بلند شو نماز بخوان ، دستوری برخورد کردن ، اینجا نتیجه بخش نیست .

البته باید کودک را از دوران خردسالی با نماز آشنا و به آن ترغیب نمود پیامبر (ص) فرمودند :

مروا صبیانکم بالصلوه اذا بلغوا سبعا
فرزندان خود را هنگامی که به هفت سالگی رسیدند (برای
تمرین) امر به نماز کنید .

و در قرآن کریم می خوانیم :

ومن اعرض عن ذکری فان له معیشتنا ضنکا

کسیکه از ذکر و یاد من (خدا) روی گرداند پس به
درستی که زندگی برای او تنگ (تلخ) می گردد . این تنگی
زندگی می تواند بد خلقی و خستگی روحی باشد، می تواند بهم
ریختن کانون خانواده باشد ، می تواند اضطراب باشد عمی
تواند نگرانی های بی جا دنیوی باشد ، می تواند غصه های
گذشته باشد ، می تواند ترس از آینده باشد و.....

قال علي (ع) التعلّم في الصغر كالنقش علي الحجر.

یادگیری در دوران خردسالی همچون نقش بر روی سنگ پایدار خواهد ماند .

این آموزش همه جانبه است والدین باید کودک را با خوردن غذا ، طرز پوشیدن لباس، رعایت بهداشت فردی و اجتماعی ، احترام کردن به دیگران ، شیوه های ارتباط با دوستان همسال ، شیوه های مطالعه و آنچه را که نیاز امروز و فردای آنها است آشنا نموده و به او آموزش دهند آنچه فرزند در کودکی می آموزد چراغ راه او در بزرگسالی است، فرزند در دوران خردسالی بسان دوربینی است که از آنچه می بیند و^۱ می شنود، آنچه اطراف او اتفاقا می افتد را با تیزبینی کامل و دقیق فیلمبرداری می کند و این فیلم را در دوران بزرگسالی به نمایش می گذارد پدر و مادر باید به شدت مراقب گفتار ، کردار و رفتار خود باشند همه گفته ها و اعمال والدین الگو برای فرزند است و از این گفتار و اعمال آموزش می بیند .

وظیفه والدین این است که به فرزندشان آنچه را نیازمند است آموزش دهند و به فرزند بیاموزند تا توانایی ها و استعداد های خود را در انجام امور مربوط به خود به حک آزمایش بگذارد تا خود طعم شکست و پیروزی را بچشد لکن برای بیرون آمدن از مشکلات باید به او آموزش بدهند برای آموزش فرزند علاوه بر آموزش های مستقیم باید از روشها و ابزارهای غیر مستقیم استفاده شود در این راستا باید برای کودک کتاب های خوب و مفید تهیه و برایش خوانده شود و یا

اینکه در دسترس او قرار داده شود تا خودش آ > را مطالعه کند و به رشد دست یابد .

به چند حدیث شریف در این رابطه توجه فرمایید:

۱- قال علي (ع) من لم يتعلم في الصغر لم يتقدم في الكبر

کسیکه در کودکی به کسب علم و دانش نپردازد در

بزرگسالی تقدم اجتماعی نخواهد داشت .

پس والدین باید برای اینکه فرزندشان در دوران

بزرگسالی تقدم اجتماعی داشته باشند و در جامعه از جایگاه

بالا و والایی برای خدمت کردن به دیگران برخوردار گردند

فرزندان خود را در کسب علم و دانش کمک و یاری نمایند و

امر آموزش آنها را جدی بگیرند .

عن موسي بن جعفر (ع) من تعلم في شبابه كان بمنزله

الرسم في الحجر.

آموخته های دوران جوانی مانند نقشی که بر سنگ حجاری

شده باشد ، ثابت و پایدار می ماند.

قال اميرالمومنين (ع) انما قلب الحدث كالارض الحاليه

ما ابقی فیها من شیء قبلته .

دل نوجوان مانند زمین آماده ای است که از هر سبزه و

گیاه خالی باشد ، هر بذری که در آن افشانده شود می پذیرد

و در آغوش خود به خوبی می پرورد .

قال رسول الله (ع) عليك بالاحداث فانهم اسرع الي كل خير.^۱

توجه تبلیغی خود را به نسل جوان معطوف دار و نیروی

خویش را در راه هدایت آنان به کار انداز زیرا جوان زودتر

حق را می پذیرد و سریعتر به هر خیر و صلاحی می گراید .

برای آموزش و هدایت فرزند به حق و خیر و صلاح بهترین دوران

، دوره جوانی است زیرا در این دوره به رشد عقلی رسیده و

قوه و توانایی تمیز و جدا ساختن حق و باطل را دارد و با

استدلال و دلیل می‌تواند صلاح و مصلحت و خیر و حق را به او
فهماند و آموزش داد. این بهترین و آخرین فرصت برای پدران
و مادران در امر آموزش و تربیت فرزند است و پس از این
مرحله کار آموزش، آموختن، تعلیم دادن و تربیت کردن به
شدت مشکل خواهد بود.

اصل چهارم

اندرز و نصیحت

قال علي (ع) فاني لم الك نصيحه و انك لنت تبلغ في
النظر لنفسك و ان اجتهدت مبلغ نظري لك (نهج البلاغه نام
(

فرزند عزیزم من هیچوقت در انجام وظیفه نصیحت نسبت به
تو ، کوتاهی نکردم و در اندرز گفتنت مسامحه ننمودم ،
فرزند عزیزم ، تو همواره در فکر تامین خیر و سعادت خود هستی
و من نیز روی مهر پدری در اندیشه نیکیبختی و رستگاری تو
هستم ولی مطمئن باش که تو هر قدری در راه خیر و صلاح خود
مجاهده کنی افکارت به پایه اندیشه های بدر آزموده ات
خواهد رسید.^۱

راهکارهای تربیتی اسلام

راهکار اول - هماهنگی پدر و مادر در کانون خانواده

هماهنگی در کانون خانواده بین والدین حرف اول را در
تبیت می زند . در مسائل تربیتی می زند . در مسائل تربیتی می
بایست اول خود هماهنگ بوده ، تا بتواند اثر گذار باشند .
نباید پدر کاری را خوب و مادر آن را بد بداند ، پدر
تنبیه کند و مادر دلسوزی و محبت ، ما مادر بگویند برو ،
پدر بگویند نرو و . . . کودک دچار سردرگمی و دودلی و کینه و
خشم می شود و نفرت پیدا خواهد کرد . بچه کاملاً دو شخصیتی
شده و این نقطه ضعف به عنوان حربه ای برای منافع خود
استفاده می کند و سهل انگار و بی توجه بار خواهد آمد .
این آفت تربیتی در اکثر خانواده ها متأسفانه به چشم
می خورد و باعث فروپاشی نظام تربیتی خانواده است . کودک
با این حربه همیشه رافراری می یابد تا بر کارهای زشت خود

سرپوش گذارد . جرم و فساد و بدی در نظر این افراد مساوی با خوبی است .

راهکار دوم - تربیت از راه عمل

امامان معصوم ما (ع) همیشه تاکید داشتند که از راه عمل بچه ها و مردم را هدایت کنید که تاثیرات بیشتر و شگرفی دارد . و واقعا هم اینگونه است ، برخی از پدر و مادرها بسیار حرف های خوب و زیبایی می زنند، اما خود عملا چیز دیگر رفتار می کنند . کرداری برخلاف گفتار و پندار خویش دارند . اگر حرفهایی که والدین می گویند، عملا در جان کودک بنشانند و این هماهنگی بین رفتار و گفتار را ایجاد کنند برای کودکان خویش ثابت خواهند کرد که صداقت دارند و خالصانه سخن می گویند ، اگر غیر از این باشد او را به دروغگویی بی بدیل تبدیل خواهد کرد . آن بزرگ هم گفته است:^۱

((دو صد گفته چون نیم کردار نیست))

امام صادق (ع) فرموده اند :

كونوا دعاه الناس بغير السنتمكم .

((مردم را به غیر زبانتان به خوبی ها دعوت کنید .))^۱

روانشناسان می گویند : اگر پدر و مادر از يك حادثه

اي ، يا از يك حیوانی ترسید، نباید حالت ترسیدن او را

كودك بفهمد، باید طوری وانمود کند که نترسیده ، زیرا این

حالات روانی خیلی زود در كودك اثر می گذارد.^۲

راستی و راستگویی زیر بنای شناخت واقعیت و زندگی واقع

بینانه است . از این رو به فرزندان خود جز راست نگویی

۱ - آغوش مهر، تالیف عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۱۲۴ حدیث ۱۴ و حدیث ۱ ص ۱۶۴

۲- زندگی و پرورش كودك، ص ۲۹

۳- روانشناسی تربیتی دکتر افروز

۴- بحار الانوار، جلد ۷۸، ص ۳۰۳ .

۵- غرر الحکم و درالکلم

هرچند که هر راست را نیز نشاید گفت . راستگویی کلیدی فعل اخلاقی است .^۳

امام صادق (ع) فرمودند :

من صدق لسانه زکی عمله .^۴

((هرکه راستگو باشد عملش منزه خواهد شد))

حضرت علی(ع) فرمود :

لسان الحال اصدق من لسان المقال .

((زبان رفتار صادق تر از زبان گفتار است.))^۵

و در جایی دیگر فرمودند:^۶

الصدق اقوی دعائم الدین .

((راستگویی قویترین پایه های دین است.))^۱

الصدق راس الدین .

این ها همه نشانگر اهمیت و ضرورت راستی و راستگویی است . از راه تقلید عملی به راستگویی و... می توانیم هسته ی مرکزی در شخصیت کودک و نوجوان را که همانا ((وجدان)) است شکل دهیم .

وجدان قوی ، یک سیستم کنترل رفتار اخلاقی است که کاملاً

اعمال او را ارزیابی و کنترل خواهد کرد .

اریکسون (روانشناس آلمان) معتقد است وجدان در درون

کودک بخشی را به وجود می آورد که پیوسته به عنوان ندای

درونی ، عهده دار و مراقبت از خود ، هدایت خود ، و

تنبیه خود است . او می گوید در شکل گیری و وجدانی که

کنترل اعمال انسان را بر عهده دارد قواعد بیرونی نفسی

تعیین کننده دارند . قواعد بیرونی از طریق اطرافیان و با

نظامی هماهنگ و مستمر به وجود می آید . اگر قاعده ای به

طور منظم و مستمر به کودک ارائه شود، و گاه ضد آن ارائه

شود ناهمانگي دروني ايجاد مي شود. اگر مربي بنا به مصالحي راست، و بنا به مصالحي دروغ بگويد . كودك نمي تواند راستگويي را دروني نمايد و جزو وجودان خويش قرار دهد.² روانشناسان مي گويند : اگر رفتاري در كودك دروني شد وقتي كودك خلاف آن را انجام داد دچار احساس گناه مي شود، اين احساس خود تنبيه گر اوست و موجب كنترل او شده و از تكرار آن خلاف جلوگیری مي كند . (احساس گناه در اينجا خود يك عنصر تربيتي است .)

قاعده راستگويي مستلزم اين نيست كه همه چيز را بايد گفت.^۰

برخي از مطالب را نبايد بيان کرده چند جزراست هم چيزي نبايد گفت : حضرت علي (ع) مي فرمايد :

لاتك صادقاً حتي تكتم بعض ما تعلم.^۱

((نمي توان راستگو باشي ، مگر اينكه برخي از آنچه مي داني را كتمان كني.))

كتمان كردن هم برخي موارد خود هنري است كه لازم است. كسي كه هنر كتمان را بداند از دروغ گفتن بي نياز مي شود . اگر كودك سوالي مي پرسد و جواب به مصلحت نيست نبايد گفته شود مگر بخشي را كه مضر به حال او نيست .

راهكار سوم - احساس كرامت

مهمترين راهكار و ابزاري كه مي تواند انسان را

مسئوليت پذير و متعهد نمايد ، احساس كرامت نفس است . خداوند در قرآن كريم مي فرمايد :
ولقد كرمانا بني آدم و...^۰

۲- قواعد رشد، اريكسون

۰ - آغوش مهر- تاليف عباس كهريزي، قم : مشهور ۱۳۸

۱- بحار، جلد ۷۸ ، ص ۹

۲ - آغوش مهر، تاليف عباس كهريزي، قم : مشهور ۱۳۸۳

ما به انسان ها كرامت بخشیدیم و آنان را تكريم كردیم و بر همه چیز برتری دادیم. این اصل پشتوانه روحی و اخلاق آدمی نیز هست.

كرامت نفس از يك سو بر عقل و اندیشه انس انی استوار است و از سوی دیگر بر تربیت تکیه می کند . نباید برای ارزیابی فرزندان از ملاك نمره ، شغل و احترام اجتماعی و دیگر عوامل خارجی بهره برد.

وقتی به فرزندان خود می گوئیم درس بخوان تا کسی شوی و هویت اجتماعی پیدا کنی تا خودآگاه او را به سمت ارزیابی خود با زیاد تشویق کنیم ملاك ارزشی را پول قرار داده ایم و وی را به سمت ارزش یابی خود با پول می بریم . ولی وقتی فرزندان را برای رسیدن به ارزشهای درونی و اخلاقی و تقوا و اندیشه^۱ بالاتر دعوت کنیم او را به سمت كرامت نفس و عزت نفس سوق می دهیم . كرامت نفس پاسدار ارزش های انسانی است ، کسی که ارزش انسانی خود را شناخت از آن پاسداری خواهد کرد، لذا ائمه (ع) بر شناخت قدر و ارزش نفس این همه تاکید دارند و آن را بالاترین و پرسودترین شناخت های می دانند حضرت علی (ع) می فرماید :

((سودمندترین معرفت شناخت نفس است .))

و در کلامی ب رای انسان این جهل را کافی می دانند که قدر خود را نشناسد .

العالم من عرف قدره و كفی بالمره جهلا ان لا یعرف قدره .
((دانشمند کسی است که قدر خود را بداند و دلیل جهل

انسان همین بس که قدر خود را نشناسد.))^۲

((انسانی که ارزش خود را نشناسد هلاک خواهد شد.))^۳

هرکه او ارزان خرد ارزان دهد گوهری طفلی به قرص
نان دهد

انسانی که قدر خویش را نمی شناسد خود را ارزان می
فروشد بهاء گوهر وجود او به کمتر از بهشت خسارت است . که
برخی به بهاء غفلتی می فروشند .

ارزش شناسی موجب می گردد که انسان تمایلات خود را به
بهای از دست دادن کرامت خویش ارضاء نکند و شناخت خود
باعث کنترل رفتار خواهد شد ، لذا می توان گفت که این
ابزار عامل مهمی جهت تقویت اراده و روحیه انسانی است و
باعث شکوفایی استعدادهاست، یعنی احساس کرامت نفس بستر
مناسب و زمینه ای هموار برای رویش استعداد های آدمی است .
والدین محترم ب آید به کودکان خود ارزش دهند و این
احساس را تقویت نمایند . کلام بلند و دقیق موی علی (ع) این
راهکار مناسب را به ما گوشزد می نماید .

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته.^۱

((کسی که احساس کرامت نفس کند، امیالش را به راحتی
کنترل می نماید و شهوات در نظر او پست خواهد بود.))
و برعکس کسی که احساس اهانت نفس به او دست دهد ، هر
شری از او ممکن است .

((من هانت علیه نفس فلاتامن شره .))^۲

به عبارت بهتر کسی که قلعه نشین کرامت و عزت و شرف خویش
است چون پیامبر خدا (ص) برای همه احساس نزدیکی به آن
جایگاه را دارد. اما کسی که در دره ذلت و خواری و خود کم
بینی است، هم به گفته اند مومنان و جان های پاک با هم
برادرند و وحدت دارند. شیرین در صورت نزدیکی چون حیوانات
هم دیگر را می درند .

۳ - آغوش مهر، تالیف عباس که ریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳
۱- کسی که نفس خود را پست می داند از شر او ایمن نخواهی بود

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جان هاي شيران خداست

روانشناسان براي تربيت از جمله اصولي كه مطرح مي كنند اصل عزت نفس است كه در تفكر اسلامي با اصل كرامت نفس بسيار نزديك است. كه شايد بتوان گفت كه عزت نفس زير مجموعه كرامت نفس است و عزت در بستر كرامت به وجود مي آيد. احساس خود بزرگ بيني با كرامت و عزت نفس فرق مي كند. احساس خود بزرگ بيني علاوه بر اينكه ضد ارزش است حاصل مقايسه انسان با ديگران است كه كارغلطي است. درحالي كه احساس كرامت، توجه انسان به ارزش انساني الهي خويشتن است.

كسي كه داراي خود بزرگ بيني است.

الف- ديگران را كوچك مي شمارد.

ب- از ديگران طلب كار است.

ج- از تمجيد و تحسين حتي به دروغ خوشش مي آيد.^۱

د- از انتقاد و اشكال مي هراسد.

و- هميشه خود را تبرئه مي كند.

ولي كسي كه كرامت نفس دارد :

الف- حتي براي مخالفان خود ارزش قائل است (ارزش الهي

انساني)

ب- به ديگران كمك و ياري مي رساند.

ج- از تمجيد فرار مي كند حتي اگر راست باشد.

د- از انتقاد خيرخواهانه استقبال مي نمايد.

ه- اشكالات و شكست هاي خود را بيشتر به گردن خود مي

اندازد اگر در زندگي او پيش بيايد.

راهكار چهارم- بازي با كودك

چون که با کودک سرو کارت فتاد

پس زبان کودکی باید گشاد

از اصول مهم تربیتی بازی کردن با کودک است. گرچه با هم سالان خود بازی می کند و از این لحاظ لذت و نشاط بدست می آورد اما هیچ گاه جای بازی با والدین را نمی گیرد. اوج لذت و نشاط کودک زمانی است که با والدین خود بازی می کند و این بازی روحیه تعاون و همکاری را در او شکوفا کرده و احساس تنهایی و خود محوری او را تعدیل می نماید. در حالات اهل بیت (ع) خصوصاً رسول الله (ع) آمده است، که با بچه ها بازی می کردند. آنها را می بوسیدند، در آغوش می گرفتند و می فشردند. برای آنها داستان می گفتند. خود حضرت فرمودند:

من کان عنده صبي فليصاب له^۱

((کسی که در خانه کودک دارد باید با بازی کودکانه

او را شاد کند.))^۲

این محیط صمیمی کودک با والدین باعث رشد متعادل کودک در انواع رشد عقلی، جسمی، فردی، اجتماعی، و ... می گردد.

و در صورت عدم فراهم کردن این محیط، صدها مشکل برای او فراهم می شود. از قبیل بلوغ زود رس، فساد، تباهی، روابط نامشروع و صدها بیماری دیگر، لذا در دستورات گوناگونی که از طرف انوار مقدس اهل بیت (ع) وارد شده نکات مهم تربیتی و جود دارد که امروزه تا حدودی به برخی از این اسرار پی برده اند. ذیلاً به برخی از مواردی که در کلمات نورانی آن بزرگواران آمده اشاره می کنیم:

۱ - آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳
۲ - من لا یحضره الخفیه، ج ۳، ص ۳۱۲، وسایل، ج ۵، ص ۱۲۶.

الف: توجه به خوابگاه و محل استراحت کودکان، که بعد از ده سالگی رختخواب بچه را جدا نمایند گرچه همجنس باشند. پیامبر (ص) می فرماید:

فرقول بين اولادکم في المضاجع اذا بلغوا سبع سنين

امام باقر می فرماید:

يفرق بين الغمان و النساء في امضاجع اذا بلغوا عشر سنين

الصبي و الصبي و الصبيه و الصبيه يفرق بينهم في المضاجع

لعشر سنين

(بين دختر و پسر از هفت سالگی جدایی اندازید هنگام

خواب)

(بين دو دختر و دو پسر از ده سالگی جدایی اندازید)^۱

تعدیل شخصیت کودک و فرزندان در الگو و فضای سرشار از مهر و عاطفه و محبت است. محبت و عاطفه مانع به وجود آمدن عقده های روانی و شخصیت پنهان کودک می گردد.

کودکی که محبت لازم را ندیده دچار:

الف: عقده های روانی

ب: کم خوابی، بی خوابی

ج: اضطراب، دلهره، وسواس

د: عدم اعتماد به نفس، ترس، انزواطلبی و گوشه گیری

ه: کم رویی

و: شب اداری

محبت و عاطفه گهواره پرورش و تعدیل شخصیت واقعی کودک محسوب می شود و سنگ بنای هویت انسانی اوست. امام صادق (ع) فرمودند:

ان الله ليرحم الرجل لشدته حبه لولده

خداوند بزرگ انسان را به خاطر شدن علاقه و دوستی با

فرزندانش رحم می کند، و به بهشت می برد.

یکی از جلو های محبت که تاثیر فراوانی در کودک و اخلاق

او دارد بوسیدن اوست که مورد سفارش قرار گرفته امام

صادق (ع) از جدش رسول خدا (ع) نقل می کند:

من قبل ولده كتب الله عزوجل له حسنه و من فرحه فرحه الله

يوم القيامة.^۱

((هرکس فرزند خود را ببوسد خداوند حسنه ای برای او

می نویسد و هرکس فرزند خود را شاد کند خداوند او را در

روز قیامت شاد می کند)).^۲

امام صادق (ع) می فرماید: بوسیدن بچه باعث بالا رفتن درجه انسان می شود.

سفارشات زیادی در این باب وارد شده، چرا که بچه های امروز مسئولین و پدران آینده جامعه هستند و اختلال در رفتار و اخلاق آنها باعث صدمات جبران ناپذیری به اخلاق و اقتصاد جامعه می زند. البته باید توجه کرد که در محبت افراط نشود که حالت نرمی زیاد باعث سهل انگاری اخلاقی، رفتاری و نرسیدن و بی اراده گی کودک خواهد شد و در آینده از همگان توقع خدمت و احترام خواهد داشت و خود منشا خیلی از امراض می شود.

راهکار ششم - عدالت

رفتار عادلانه باعث رشد و تکامل صحیح کودک خواهد شد و اعتدال شخصیت از مهمترین نتایج رفتار عادلانه است. در صورتی که رفتاری عادلانه بین فرزندان نداشته باشیم کینه، عقده، خشم و بی مهری را در جان آنان ایجاد کرده ایم، در این باره امام صادق به نقل از جد بزرگوارش پیامبر (ص) می فرمایند:

رحم الله من اعان ولده علي بره قال قلت كيف يعينه علي بره قال يقبل مسوره و يتجاوز عن معسوره ولا يخرق به .
(خدا رحمت کن کسی را که در نیکی و نیکوکاری فرزندش را کمک کند.))

راوی پرسید چگونه؟ حضرت فرمود:

- ۱- آنچه کودک به اندازه توان انجام داد بپذیرد
- ۲- آنچه از توان او خارج است از او نخواهد
- ۳- او را به گناه و طغیان وادار نسازد.^۱
- ۴- به کودک دروغ نگوید و عمل احمقانه انجام ندهد.^۱

امام صادق (ع) فرمود : همانطور که دوست بدارید بین شما عادلانه رفتار شود ، بین فرزندان عادلانه رفتار کنید.^۲

البته انسان می تواند برخی از بچه ها را به خاطر امتیازاتی که به دست می آورند. بیش تر دوست داشته باشد. اما باید از دید دیگران مخفی باشد و الی عقده حقارت ، بد بینی، کینه توزی، دشمنی ، درگیری، قهر و ... دامنگیر همه خوبی است برای عبرت گرفتن قرآن آن را تذکر می دهد .

راهکار هفتم - پرورش روح و جسم کودک

غالباً در تمام دنیا تنها جنبه های مادی و جسمی را توجه زیادی دارند و بعد روحی روانی کودک را کمتر توجه می کنند.

((فرزندان خود را اکرام کنید و آداب نیکو به آنان یاد دهید)).

در اسلام و قرآن سلامت روح و جسم همراه با هم آمده است لباس و غذای خوب، همراه با اخلاق نیکو و ادب صحیح، هم ورزش و هم عبادات، و هم وزن کودک و هم میزان اخلاق و فضائل او ، هم کام خوب و هم نام زیبا را مورد توجه قرار داده است.

پیامبر(ع) فرمودند: حق فرزند بر انسان این است که :

۱- مادرش را احترام کنید.

۲- برای کودک نام خوب انتخاب کنید.^۳

۳- به کودک خود قرآن بیاموزید.

۴- او را در پاکي و پاک دامي و پاک دلي پرورش دهید

۱- اصول کافی - جلد ۶ ، ص ۵۰

۲- بحار ، ج ۲۳، ص ۱۱

۳- آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

حق الولد علي والده اذا كان ذكرا ان ستفره امه و
يستحسن اسمه و يعلمه كتاب الله و يطهره و^۱
لذا مكتب اسلام تمام ابعاد وج ودي انسان را در نظر
گرفته تا کودکان در تمام زمينه ها پرورش پيدا کنند . در
سیره علمی و عملی آن حضرت وائمه معصومین (ع) نیز این توجه
به ابعاد مختلف به چشم می خورد حضرت علي (ع) وقتی با
یتیمی می نشست نیازهای روحی و مادی او را در نظر می
گرفت. گاهی که عسل تقسیم می فرمود سهم ایتام را جدا می
کرد با انگشتان خود به دهان آنان می گذاشت، وقتی مورد
اعتراض قرار می گرفت می فرمود: بچه هایی که پدر دارند دو
شیرینی را احساس می کنند، عسل و شیرینی دست پدر را ، اما
ایتام فقط شیرینی عسل را می چشند ، باید با دست خودم به
آن ها عسل دهم ، تا احساس کمبود نکنند.
رایت علیا يدعو الیتامی فیطعمهم العسل حتی قال بعض
اضحابه لودت انی کنت یتمیاً.^۲
علي(ع) را دیدم که یتیمان را فرا می خواند و به آنها
عسل می خوراند و آنقدر این کار محبت آمیز امام جاذبه
داشت ، که برخی از یاران امام می گفتند ای کاش ما هم
یتیم بودیم (!)

راهکار هشتم- تمرین عادت های نیکو
ایجاد عادات خوب و ریشه کن کردن کارهای بد و کنترل
صفات حیوانی او از راهکارهای مهم تربیتی است مثلاً :

۱- مستدرک ج ۲ ، ص ۶۱۸

۲ - بحار الانوار ، ج ۶۱ ، ص ۲۹

۳ - آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

شیرخوردن او را تنظیم کنیم، او را به تنها ماندن و تنهایی عادت بدهیم، و فاداری ایثار، بخشش را به او تعلیم نمائیم، چون بهترین دوران پذیرش عادت، کودکی است.^۱

حضرت علی (ع) می فرمایند:

الغاده طبع ثان.

((عادت برای مردم، طبیعت دوم به وجود می آورد))^۲

فطرت کودک ایجاب می کن که او را با این صفات خوب آشنا کرد و تربیت نمود. هر مولودی بر فطرت مذهبی و معرفت الهی متولد می شود تا این که پدر و مادر او را به آئین یهودی و نصرانی بکشانند.^۳

کودکان بیشتر مراقبت و نظارت می خواهند نه وادار کردن و اجبار.

با عمل صالح باید فطرت او را تحریک کرد. انسان از نظر روانی بگونه ای است که اگر عملی را چند بار تکرار کند و ببیند زود خو می گیرد و عمل نماید.

تمرین و تکرار تلفیقی از اصول اساسی رشد هستند، که باید همزمان اجرا شوند تا تاثیر خود را نشان دهند.

ترك سرزنش و ملامت كودك از راه هاي به وجود آمدن روحیه پذیرش است که والدین می بایست انجام دهند.

حسنین (ع) خدمت پدر رسیدند، که می خواهیم کشتی بگیریم.

حضرت فرمود بروی د در خط نویسی مسابقه دهید که شما

رهبران آینده ملت هستید.

۱- غررا الحکم

۲- مجار الانوار، ج ۲، ص ۸۸

۳- مجار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۹۵

۴ - آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

پیامبر(ع) بارها می فرمودند که امام حسین (ع) و امام حسین(ع) از بهترین جوانان اهل بهشت هستند.^۱ و باز می فرمود:^۲

هیبت و سیادت خود را به حسن(ع) و شجاعت وجودم را به حسین(ع) دادم.^۳

با تلقین می شود، تمام صفات نیک را در وجود کودک نشانند و صفات منفی را ریشه کن کرد.

راهکار نهم - مراقبت دائمی

ریشه یابی کردن حالات و رفتار کودک وظیفه دیگر والدین است که باید انجام دهند، باید ببینند صفات زشت یا اعمال بد از کجا آمده و علت آن چیست؟ روزی پیامبر(ع) مقداری شیر در ظرفی ریختند و به امام حسن(ع) دادند تا بنوشند. امام حسین(ع) بلند شده، تا از دست برادر آن را بگیرد پیامبر(ع) امام حسین(ع) را گرفتند و مانع شدند فاطمه زهرا(ع) عرض کردند یا رسول الله(ع) آیا امام حسن را بیشتر دوست دارید فرمودند: نه امام حسن(ع) زودتر تقاضا کرده بود و بچه ها باید یاد بگیرند که حق تقدم را رعایت کنند.^۴

الف - درک دنیای زیبای کودک

روح خود را از قالب بزرگسالی در بیاوریم و به جای کودک بگذاریم و از دید او به اطراف نگاه کنیم.

اکثر شیطنت های اقتضای سن است (مثل زمان کودکی خودمان) برخی از این تحرکات و شیطنت ها عادی است و

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۰۹۵

۲- بخار، ج ۴۳، ص ۲۸۳

۳- آغوش مهر، تالیف: عباس کهریز، قم: مشهور ۱۳۸۳

طبیعی. این پتانسیل و هیجانی است که باید تخلیه شود. یکی از اندیشه و ران غربی می گوید:

((انسان اگر از کودکی بازی نکن در بزرگی بچگی خواهد کرد.))

- ب- بوسیدن کودک هم باید قانونمند باشد زمان و مکان خاص دارد. زن از هفت سالگی به بعد پسر بچه بیگان ه را نبوسد و مردها هم دختر بچه شش ساله را نبوسند.^۱
- ج- رابطه مادر با کودک خود.
- مادر باید با کودک پسر هفت ساله در يك بستر خوابد و با آلت جنسی کودک بازی نکن که خطر انحراف وجود دارد.
- د- کودکان باید با اجازه وارد اطاق والدین شوند.
- ه- آمیزش در اطاقی که بچه ای وجود دارد ممنوع است که باعث کشاندن کودک در مسیر زنا می شود.^۲
- ونکات دیگری از این قبیل.

راهکار دهم- تشویق و تنبیه

مربی برای اجرای برنامه تربیتی خود نمی تواند از این دو عنصر تربیتی استفاده نکند و باید توجه داشت که هر از دو عنصر تنبیه و تشویق باید استفاده کرد. و این نکته ای است که نیاز به آگاهی دارد. افراط یا تفریط در این دو جزء لاینفک تربیت باعث خطرات و ناهنجاری های رفتاری در کودک خواهد شد که بعضا قابل جبران هم نیست، البته اینگونه نیست که تا اسم تشویق می آید همه خیال می کنند که مراد مسائل مادی است، بلکه تشویق معنای عامی دارد که یکی از مصداق های آن تشویق مادی است، گرچه جایزه تقویت کننده است اما موثرترین ابزار تشویق توجه به کودک است!

۱- مسئولیت تربیت، مرحوم استاد محمد دشتی

۲ - آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

توجه به عنوان اساسي ترين نياز رواني به شمار مي رود .
انسان با همه نيازهاي جسماني كه دارد نيازمند توجه روي
است. اين نياز آنقدر مهم است كه كودك اگر متوجه شود كه
والدين به او توجهي ندارد، دست به كارهاي به ظاهر تخريبي
براي جلب توجه مي زند از جمله:^۱

۱- ايجاد سروصدا

۲- آزار و اذيت ديگران به ويژه خواهران

۳- ريخت و پاش در خانه

۴- حتي گريه كردن ظاهري

۵- كارهاي زشت و بد

۶- جا به جا كردن ب رخي لوازم خانگي و احيانا تخريب

آنها و....

به اين ترتيب نياز به توجه يك نياز اساسي براي انسان
است.

((كارل واجرز)) روانشناس آمريكايي نير بر اهميت اين

نياز تاكيد دارد.

او معتقد است ، كودك دريافت توجه مثبت را ارضاء كننده
، و عدم توجه را ناكامي مي انگارد . رفتار كودك با توجه
به ميزان عشق و علاقهها به او كنترل مي شود . اگرتوجه به
او مثبت باشد گرايش فطري كودك به سوي رشد و شكوفايي با
مانع برخورد مي كند . اگر اين حالت زياد تكرر شود و
والدين به كودك توجه ننمايند رشد كودك كاملا از نظر ذهني
وعاطفي و... متوقف خواهد شد.^۲

توجه و تغيير رفتار

۱ - اصول تربيت ، دكتور علي اصغر احمدي

۲ - آغوش مهر، تاليف، عباس كهريزي، قم: مهشور ۱۳۸۳

توجه مثبت به كودك خود حربه اي در دست مربي براي
تغيير سيستم رفتاري كودك است و مي شود و براي از بين بردن
رفتارهاي نامطلوب از آن بهره برد.

نبايد كاري كرد كه وقتي كودك كار زشت و بدني انجام داد
مورد توجه قرار گيرد و سرزنش شود. وقتي كودكي در گوشه اي
نشسته و تكاليف خود را به آرامي انجام مي دهد مورد توجه
والدين قرار نمي گيرد. به اين ترتيب كودك مي آموزد كه
رفتارهاي آرام و انجام تكاليف را كنار گذاشته و به شيطنت
و^۱

آزار و اذيت پردازد. اگر وقتي كودك رفتاري را انجام مي
دهد يا حرف خوبي را مي گويد درست مورد توجه قرار نگيرد
، ولي وقتي حرف زشتي را مي گويد مورد توجه باش. ناخودآگاه
جنبه منفي او تقويت و تثبيت مي شود.

براي اينكه به درستي از عنصر توجه بهره ببريم به اين
نكات توجه كنيد:

۱- از توجه كردن به عنوان تقويت كننده و پاداش
استفاده كنيم.

۲- رفتار درست و مطلوب را براي خود دقيقا مشخص كنيم.

۳- از توجه و بي توجهي به شكل نظام دار استفاده
كنيم.

۴- از توجه به شكل پيوسته استفاده نكنيم، بلكه مقطعي
و به شكل تاريخي از آن بهره بگيريم.

۵- مقدار توجه و بي توجهي بايد متناسب با رفتار كودك
تغيير كند، هرچه رفتار تازه تر باشد بايد بيشتر مورد توجه
قرار گيرد. رفتارهايي كه مطلوب و كهنه شده کمتر توجه شود.

لازم نیست علت توجه کردن و بی توجهی را به کودک گفت ، زیرا ممکن است بیش تر موجب اختلال رفتار شود.^۱

تنبیه

منظور از تنبیه کردن کودک کتک زدن و ضرب و شتم کودک نیست. تنبیه بدنی نه تنها یک رفتار غیر انسانی است، هیچ گونه تغییری در رفتار هم به نحو مطلوبی ایجاد نمی کند . ممکن است موقتا کودک از ترس اینکه کتک نخورد رفتاری را انجام ندهد، اما به محض اینکه از تحت سلطه والدین خارج شد آن عمل را یا به صورت انتقام جویی یا لذت جویی تکرار خواهد کرد. مراد از تنبیه کردن، بی توجهی، محروم^۲ سازی از سرویس دهی، سرزنش مقطعی نه دائم ، قهر کردن مقطعی ، از روش های تربیتی مطلوب است که جنبه انسانی دارد.

البته باید دانست که همه رفتارها نباید تشویق شوند و همه رفتارهای بد هم نباید مورد تنبیه قرار گیرد . از رفتارهای شایسته ای که کودک در طول روز انجام می دهد باید تعداد کمی انتخاب شده و مورد توجه قرار گیر ،خصوصا رفتارهایی که جنبه ذهنی و خلاقیت دارند و با اندیشه او مرتبط اند . و رفتارهای احساسی و عادی ،با هیچ مورد توجه نباشد، یا بسیار کم مورد توجه باشند.

و رفتارهای بد به طور محدودتری انتخاب و مورد تنبیه قرار گیرد.

ولاتضربه واهجره وولاتطل.

۱- اصول تربیت ، دکتر احمدی

۲ - آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

((كودك را نزنيد بلکه با او قهر نمائيد، ولي قهر را طولاني نکنيد که بچه آسیب ببیند))
در قهر تربیتی برخی از مطالب به كودك گفته مي شود و لي در قهر كودكانه هيچ سخني با او گفته نمي شود.

راهكارهاي يازدهم - سلام و تحيت

سلام و تحيت از ابزارهاي تربيت ديني است در لغت به معنای سلامت ، تحنيت ، درود ، صلح و آشتي ، تعظيم و تکریم است. سلام يك فرهنگ پويا و حلقه ي عاطفي و اجتماعي نزد همه مسلمانان است و در تربيت كودك بين والدين وكودك، هيچ حلقه اي به زيبايي اين حلقه ه نيست! سلام در قرآن نقطه آغاز و پايان روابط انساني است قرآن اين رفتار را بسيار مي ستايد :

يا ايها الذين آمنوا لاتدخلو بيوتا غير بيوتكم حتي تستئذنوا و تسلمو علي اهلها.^۱

((اي کسانی که ایمان آورده اند زمانی که مي خواهيد وارد خانه كسي شويد، با معرفي خود اجازه بگيريد و به هنگام ورود، بر اهل خانه سلام كنيد اين شيوه براي شما بهتر است شايد که پند گيريد.^۱

باز مي فرمايد : اگر در منزل خود وارد شديد به خود و فرشتگان سلام نمائيد.

فاذا دخلتم بيوتا فسلمو علي انفسكم تحيه من عند الله مبارکه طيبه.

البته آنچه مهم است اين است که در مسائل اجتماعي از جمله سلام کردن ، اخلاق و آداب و رسوم و سلوك متقابل است و مسئوليت طرفيني ايجاد مي کند و حتي مسئوليت طرف مقابل در

۱ - آغوش مهر، تالیف: عباس كهريزي، قم: مشهور ۱۳۸۳
-۱ - سوره نور آیه ۲۷

حين سلام کردن سنگین تر می شود و ترجیحا به شیوه ای زیباتر به عنوان يك ضرورت و امر واجب تلقي می شود.

و اذا حیتم بتحیه فحیوا باحسن منها اورودواها ان الله كان علي كل شيء حسبا.^۱

((هرگاه به شما سلام دادند بهتر از آن ، یا همانند آن پاسخ دهید. همانا خداوند به همه چیز دانا و حسابگر است.))
یعنی پاسخ نیکو به سلام دیگران گفتن ، خصوصا کودک و نوجوان حائز اهمیت است . و نباید در سلام به آنها مضایقه کرد. سلام کردن نشانه يك شخصیت متعادلي و متعالی است و باید آن را حفظ کرد.

در رفتارهای پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) آمده است که همیشه نسبت به کودکان در سلام پیش قدم بوده اند . و پیامبر (ع) فرمودند من هیچگاه سلام کردن به کودک را فراموش نمی کنم.

در واقع بهترین شیوه برای برقراری ارتباط با دیگران ، خصوصا کودک و نوجوان سلام کردن است . آغاز کردن با سلام تبلور تمام احساس و عاطفه و عشق آدمی است . تقدم در سلام هم به عنوان رفتاری پسندیده شمرده شده و بزرگی و کوچکی در آن لحاظ نشده و فرموده اند در صورتی که سلام هفتاد ثواب داشته باشد ۶۹ ثواب از سلام کننده و يك ثواب از جواب دهنده است.

البته همانطور که عرض شد، سلام کردن مسیحیت و کار نیک است اما پاسخ آن واجب و فریضه است پیامبر (ع) فرمودند:
السلام اسم من اسماء الله وضعه الله وفي الارض فافشوه بینکم .
((سلام نامی از نام های خداست . آن را در زمین امانت گذاشت، پس سلام را در میان خود فاش کنید.))

سلام خود پاداشي است که در روز جزا به دست يافتگان و ابرار در بهشت به وسيله آن استقبال مي شوند.
وعبا الرحمن اولئك يجزون الغرفة بما صبروا ويلقون فيها تحية و سلاما.

((عباد الرحمن کساني هستند که به خاطر صبري که تحمل نموده اند .

غرفه هاي بهشت را پاداش يابند و در آن جا به درود و سلام آنان را بنوازند.))^۱

سلام روزانه رحمت و مغفرت پروردگار است.

ان من موجبات المغفرة بذل السلام و حسن الكلام.^۲

البته سلام گرم و صمیمانه کلامی نرم و رفي قانه مي طلبد مگر مي شود انسان با سلام گرم ، کلامی سخت و خشن را همراه کند. سلام کلید ارتباط عاطفي است، که به دنبال خود زبان لين و نرم را مي خواهد . که با او سخن بگويد و پيوند را محکم نمايد . زبان نه تنها از پايه هاي نخستين رشد شخصيت بوده ، بلکه مهترين وسيله پيوندهاي عاطفي و اجتماعي و انتقال تجارب و معارف غير مکتوب بشري است ، بلکه اساسي ترين نقش را در پرورش احساسات به عهده دارد.^۳

کودکان سخن گفتن را از والدين مي آموزند ، نبايد با کلام خشن و غلط و حرف هاي زشت کام آنان را تلخ نمود . قرآن مي فرمايد:

قولوا للناس حسنا .

((با مردم (کودکان) به زبان نیکو سخن گوئيد.))

۱- فرقان ۷۵

۲- نهج الفضاحه

۳ - آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

زبان نیکو ، زمانی تاثیر می گذارد که از روی صدق است ، صمیمانه و عاری از هر گونه آفات زبان (همچون ریاء ، هرزه گویی ، دروغ ، غیبت ،) باشد.^۱

به گوش خویش شنیدم زقیچی فولاد زبان سرخ سر سبز می دهد بر باد

زبان در دهان ای خردمند چیست کلید در گنج
صاحب هنر

چون در بسته باشد نداند کسی که جوهر فروش است یا
پيله ور^۲

کارکردهای زبان :

زبان و بیان همانطور که گفته شد برای انتقال پیام و عواطف مثبت است از آن برای آزار دادن فرزند و انتقال هیجانات منفی استفاده نباید کرد.

زبان به عنوان ابزاری مهم، کارکرد اساسی در تربیت دارد: به عنوان مثال:

الف- کارکرد ارتباطی

زبان يك ابزار مهم است، که ارتباط را آسان و سهل و ساده می نماید و استفاده از آن باید در چهارچوب و ضابطه خاص باشد.^۳

انسان می تواند با چند جمله ساده و مهر انگیز و محبت آفرین با سرعت زیادی ارتباطی خود را با کودک برقرار کند.

۱- روانشناسی تربیتی دکتر افروز

۲- گلستان سعدی

۳- آغوش مهر، تالیف: عباس کهریزی، قم: مشهور ۱۳۸۳

ب- کارکرد درمانی و باز دارندگی

انسان ها سرشار از هیجانات منفي و مثبت هستند . این هیجانات در صورتی که از حد تعادل بگذرد، بسیار خطر آفرین می شود و باید تخلیه شود . در کودکی این هیجانات بسیار زیادتر از افراد بزرگسال است . هیجاناتی چون غم ، شادی احساس تنهایی ، حقارت ، خشم و پرخاشگری و...) زبان بهترین راه برای تخلیه این هیجانات خطر آفرین کودک را فرو می نشاند و باعث سبکی کودک می گردد و درد دل کردن با او بار هیجانات را بسیار کم کرده و از بروز بیماری های روانی ، بی خوابی ، بی اشتهايي و جلوگیری می نماید . حتی برخی برای تخلیه هیجانات خویش با خود حرف می زنند ، یا با درخت و گیاه و چاه گفتگو و درد و دل می نمایند ، چنانچه مولی علی (ع) برای تعدیل غم و اندوه خود سر خود را شب ها در چاه می کردند و درد دل می نمودند .

ج- کارکرد فکری و علمی

زبان ابزار مناسبی برای بستر سازی اندیشه و فکر است . کلمات و اصطلاحات و جملاتی که از ناحیه زبان جاری می شود، می تواند کلید در معماها ، رازها و اسراری باشد که انسان را وادار به اندیشیدن و فکر می نماید .

باید توجه تداشت که در انتقال پیام به وسیله زبان :

۱- برای هر سنی از زبان خاص و قابل فهم همان سن باید

بهره برد .

۲- بیان و کلام نباید يك سوي باشد بلکه باید با کودک

و نوجوان گفتگوی متقابل داشت .

نباید هیجان‌های منفی خود (عصبانیت، ناراحتی‌ها، غم و ناکامی‌ها) را به وسیله زبان به کودک منتقل نمائیم. باید تا حد امکان هیجان مثبت را به او منتقل کرد.^۱

سرزنش کردن، تحقیر کردن و ناسزا گفتن، اغلب اوقات برای تخلیه هیجان‌های منفی در درون انسان انجام می‌گیرد، لذا نباید آن را به تربی (کودک) منتقل کرد، باید محبت و شادی و نشاط و احساس خوشبختی را به عنوان هیجان‌های مثبت به او منتقل نمود.

۴- از تکرار کلمات و جملات پرهیز نمائیم خصوصاً وقتی که کودک از آن خسته شده که به هیچ سودی نخواهد داشت.
